

حکمتیست ۱۴۶

۲۳ ژانویه ۲۰۱۷ - ۴ بهمن ۱۳۹۵
دوشنبه ها منتشر میشود

ماورای وقاحت



فواد عبداللہی

تنها مشکل مردم ایران اینست که بنیامین ناتنیاہو را در لیست "دوستان" خود نداشت. ایشان در یک پیام ویدیویی "اذعان" کرده که در این سالها زیادی در مورد رژیم ایران صحبت کرده و "به میزان کافی" مردم ایران را خطاب قرار نداده است. وی "ابراز تأسف کرده که مردم ایران در یک استبداد دینی زندگی می کنند". و دست و دلبازی کرده گفته "ما باید بر ترور و استبداد فایق آییم و متعصبان نباید پیروز شوند". پرسش واقعی اما اینست که چه کسی دارد این حرفها را میزند؟ کسی که در افکار عمومی دنیا شاخ یک سیستم میلیتاریستی - صهیونیستی در منطقه بوده و تا بیخ دندان وارث فاشیسم و جنایت علیه مردم فلسطین بوده صلاحیت اظهار نظر و دوستی حتی با مردم اسرائیل را نیز ندارد. لباس دموکراسی به تن جناب ناتنیاہو زیادی گشاد است. این میدان بازی مردم ایران نیست. چنین "دوستی" هایی تاریخا نشان داده که به بقا، رژیم فاشیست ایران کمک می کند. مردم ایران نیازی به چنین "دوستانی" ندارند. مردم ایران تنها زمانی می توانند بطور کامل فاشیسم در داخل را بزیر کشند که تکلیفشان را با چنین دوستان دروغینی روشن کرده باشند. تنها کمونیسم و شوریدن قدرتمند محرومین از پاییین میتواند افسار فاشیسم اسلامی و غیر اسلامی را در هم بکوبد. تنها قدرت یک انقلاب کارگری میتواند مانع شاخ بازی دولتهای مرتجع منطقه بر سر منافع و موقعیت شان علیه هم و قربانی کردن مردم بیگناه شود. زمینه های بروز و شکلگیری چنین قدرتی در ایران کاملا مهیا است؛ نزد هر انسانی که دلش برای آزادی و عدالت می تپد و تا جایی که به مبارزه مردم ایران برای رهایی از جمهوری اسلامی مربوط میشود، نخست وزیر اسرائیل و رژیم ایران به یک اردو تعلق دارند: اردوی دشمنان!

زیر آوار پلاسکو!

اطلاعیه حزب حکمتیست (خط رسمی)

صبح امروز ۱۹ ژانویه ۲۰۱۷ ساختمان بزرگ و بلند پلاسکو که محل تولید و توزیع پوشاک بود، آتش گرفت و فرو ریخت. طبق اخبار رسانه های ایران آتش سوزی حدود ساعت ۸ صبح شروع و بعد از سه ساعت تمام ساختمان فرو میریزد. هنوز از ابعاد قربانیان این فاجعه اطلاع دقیقی در دست نیست اما گفته میشود که در این حادثه حداقل دهها نفر از ساکنین و شاغلین ساختمان پلاسکو و دهها مامور آتش نشانی، زیر آوار جان خود را از دست دادند و تعداد زیادی نیز زخمی شدند. این حادثه، بخصوص قربانی شدن تعداد زیادی از امدادگران و ماموران آتش نشانی، علاوه

سهم شان نباید مرگ باشد!

آذر مدرسی

هنوز شمارش آمار قربانیان و غرق شدگان فراری از جنگ، ناامنی و ترور و کشتار در مدیترانه تمام نشده است که باید لیست قربانیان سرمای سخت، آمار کودکانی که یا در اثر سرما یخ زده اند و یا برای گرم نگاه داشتن خود آتش گرفته اند را هم به آنها اضافه کرد. به گزارش کمیساریای عالی سازمان ملل حدود ۵۰ هزار پناهنده، که بیش از ۴۰ درصد آنان کودک اند، در یونان، ترکیه و کشورهای اروپای شرقی در خطر مرگ در اثر سرمای شدید قرار دارند. روزانه دهها گزارش تکان دهنده از زندگی این فراریان، اگر بتوان نام زندگی بر آن گذاشت، را میتوان روی صفحه تلویزیون ها دید. "نجات یافتگان" قتلگاه مدیترانه که به امید زندگی امن به پشت درهای بسته اروپا رسیدند در سرمای ۲۰ تا ۳۰ درجه زیر صفر در انتظار مرگ لحظه شماری میکنند. فقط در طول یک هفته ۷۳ نفر در یونان و بلغارستان در اثر سرما جان خود را از دست داده اند و پزشکان بیمرز و نهادهای های انساندوست امکان وقوع یک فاجعه بزرگ انسانی را هشدار داده اند. "زنده" ماندن در چادرهای تابستانی، زیر پلها، در پارکینگها، کارخانه های متروک و نیمه ویران، بدون هیچ امکاناتی، را اگر بتوان در

طرح

توانمندسازی
زنان و تاخت
و تاز فمینیسم
اسلامی!

از کمپین انتقابات تا بازار
گرمی انتقابات

آسو فتومی

تابستان و هوای گرم دوام آورد، در سرمای استثنایی امسال اروپا، تقریباً غیرممکن است. در این قتل گاهها، انسانهایی گرفتار هرچه بدستشان برسد از چوب و کاغذ تا ریلهای چوبی راه آهن که آغشته به قیر و انواع مواد شیمیایی و یا لاستیکهای کهنه، را میسوزانند تا کمی گرم شوند! ... صفحه ۲

آزادی
برابری
حکومت کارگری

زیر آوار...

همه میدانند که این نه یک حادثه ناشی از تغییرات ناگهانی آب و هوایی و طبیعی، نه سیل و زلزله غیرقابل پیش بینی، یا بلایی آسمانی، که فاجعه ای زمینی است و مسئولینی دارد و منافع بدنبال داشته است. فروریختن پلاسکوی تهران واقعه ای دور از انتظار نبود. هم اکنون در مصاحبه های مامورین آتش نشانی و کسانی که در جریان شرایط نامناسب و ناامن پلاسکو بوده اند، همه بیان میکنند که بارها به مقامات دولتی و مسئولین اعلام شده است که ساختمان پلاسکو بدلیل کهنگی و فرسودگی مطلقا امن نیست و هیچ زمانی اخطارهای آنها

جدی گرفته نشده است. مردم مسئولین و مصیبین و کسانی که از هزینه نکردن برای این ساختمان منفعت به جیب میزنند را می شناسند. مسئول این واقعه دلخراش و جان باختن تعداد زیادی از مردم و مامورین آتش نشانی مستقیما دولت جمهوری اسلامی و کل مقامات مختلف آنها است. از شهردار تهران تا استاندار و مقامات مختلف اداری و قضایی و نظامی آنها و در یک کلام دولت جمهوری اسلامی و بنیاد مستضعفان که صاحب ساختمان پلاسکو است، مسئول مستقیم این فاجعه بزرگ و دلخراش اند. باید به کمک خانواده جان باختگان

این گورستان سود و منفعت و بی مسئولیتی، شتافت. باید تامین بلافاصله مالی دائمی زندگی همه خانواده های بازماندگان و مصدومین، و پرداخت خسارت به آنها را، به دولت تحمیل کرد. باید از خواست اعتصاب با پرداخت کامل دستمزد، به خاطر ناامنی محیط کار، و برای تامین و تضمین امنیت محیط کار، دفاع کرد تا هیچ کارکن و شاغل و کارگری، در هیچ محل کار ناامنی، ناچار به کار نباشد. باید پیش از وقوع حادثه دیگری، خواهان بررسی امنیت همه محیط های کار، توسط تیم های مستقل و متخصص، با هدایت نمایندگان کارگران و کارکنان، شد. فاجعه و قربانی شدن

ساکنین و کارکنان امداد رسانی پلاسکو، باید آخرین حادثه از این نوع باشد. باید مقامات را مجبور کرد که پاسخ بدهند! حزب حکمتیست ضمن تاسف فراوان خود از این واقعه دلخراش، به خانواده و بستگان قربانیان و به مردم تهران تسلیت میگوید. بی تردید دولت جمهوری اسلامی و کل مقامات بلند پایه آنها در تهران مسئول مستقیم هستند و باید به خانواده قربانیان و به مردم ایران جوابگو باشند.

حزب کمونیست کارگری حکمتیست
(خط رسمی)
۱۹ ژانویه ۲۰۱۷

سهم شان نباید...

حتی اگر به قیمت تنگی نفس و خفگی تمام شود. تمام رسیدگی مقامات دولتی به تامین یک وعده غذا در روز و اظهار تاسف خلاصه میشود! تمام "تلاش" کمیساریای سازمان ملل در جواب به فریاد این فراریان که "ما انسانیم نه حیوان"، "ما پناهنده ایم نه جانی"، "کجا است حقوق بشر، زمانی که سرما به زیر پنج، هفت، ده و بیست درجه می رسد؟"، ابراز نگرانی از بی توجهی دولتها، ابراز نارضایتی از خشونت علیه پناهندگان و نگرانی از بروز یک فاجعه انسانی است! فاجعه ای نه در سودان و سومالی و سوریه و عراق که در اروپا و زیر سایه دول فخیم و متمدن اروپایی اتفاق می افتد. اینجا اروپا است، جایی که به قول خبرنگار شرافتمند آن، در این

جغرافیا اگر کسی حیوانات مزارع خود را در چنین محل هایی با این درجه از امکانات زندگی نگهداری کند، مجرم است و قانون به سراغش میرود! اما برای فراریان از باطلاق لیبی و سوریه و عراق و افغانستان و نقاط مشابه، قانون حقوق بشری حتی به اندازه حقوق حیوانات، کیمیا است! در این کیس های تراژیک و بقول خودشان خطر تراژدی عظیم انسانی، نه عفو بین الملل، نه کمیساریای حقوق بشر سازمان ملل، هیچکدام هیچ کس را به خاطر نقض ابتدایی ترین حقوق جانداران در این جغرافیا، نه افشا میکنند، نه تحریم سیاسی میکنند، نه تحریم اقتصادی، نه پول هایش در بانک های اروپایی بلوکه میشود و نه علیه کسی قطعنامه های دهان پرکن از موارد نقض حقوق جاندارن، صادر میشود! اروپا مدت ها است در آن، از نقطه نظر دولت ها

و نهادهای به اصطلاح مدافع حقوق بشر، حقوق بشر، نه جهانشمول، که نسبی است! با بی شرمی اقرار میکنند که زمستان سخت امسال قابل پیشبینی بود! در کمال وقاحت میگویند امکان جلوگیری از این فاجعه و تهیه امکانات مقابله با این سرما را داشتند. اما قرار بود نشان دهند برای فراریان از جهنم خاورمیانه و افریقا، اروپا بهشتی امن نیست. قرار بود با تحقیر و بی حرمتی و تحمیل فقر و بالاخره به کام مرگ بردنشان در اروپا نشان دهند اینجا بهتر از افغانستان و عراق و سومالی و ... نیست و کسی "هوس" فرار از جهنم خاورمیانه نکند که اروپا را برایش جهنم تر میکنند! قرار است به فراریان جنگی سوریه اعلام کنند سهم شما در هر جایی که باشید مرگ است. مرگ بر اثر بمبهای هوشمند یا

سلاخی توسط داعش و طالبان یا مرگ در اروپا. اما این تمام سیمای اروپا و غرب نیست! در صف مقابل دولت ها و هیئت حاکمه های بی رحم، رسماً نژاد پرست و مرتجع، بشریت متمدنی است که در هر طیش اعتراضی، در هر دم و بازدم رابطه با دولت های خودی، بهانه تقصیر خارجی ها است را نمی خرد! دیروز فراریان را با آغوش باز قبول کرد، و امروز به کمک آنها می شتابد! در نگاه کودکان، جوانان، زنان و مردان فراری از جهنم خاورمیانه، تصویر فرزندان و نزدیکان و بستگان خود را می بیند! این جای جایی است که قلب کمونیسم، کمونیسم اجتماعی، کمونیسمی که نمی خواهد نظارگر این تراژدی های انسانی باشد و قربانی شدن بیشتر مردم بیگناه و بی پناه را ببیند، می طپد.

قدرت طبقه کارگر در تخریب و شکل اوست!

طرح توانمندسازی زنان و تاخت و تاز فمینیسم اسلامی!

از کمپین انتخاباتی تا بازار گرمی انتخابات
آسو فتوی



جمهوری اسلامی به زودی وارد دور دیگری از "انتخابات" ریاست جمهوری خواهد شد. مدتی است دوباره زمزمه هایی محیرالوقوع از دور و نزدیک و از گوشه و کنار جامعه به گوش میرسد. در هر دوره "انتخابات"، سیستم حکومتی و جنبشهای مطعلق به آن، رقاصه ها و کمپینر های انتخاباتی شان را از فریز بیرون کشیده و به درون گود و بین مردم می فرستند تا تلاش کنند با بدست گرفتن سوژه های اجتماعی از جمله مسئله زن، رقابتهای پرهیجان لایه های حکومتی را با مشارکت وسیع مردم و فریب آنها به نمایش بگذارند. جناحی "مدافع" تغییر زیر بنای اقتصاد با فلان مدل و دیگری با بهمان مدل می شوند یا مدعی کشف مسیری برای رسیدن به "سعادت و خوشبختی" برای مردم می شوند و هر کسی به طریقی امید آورنده به اصطلاح فردایی "زیبا و روشن" برای مردم میشوند. وعده سر خرمن و دروغهای شاخداری چون رفاه، امنیت، آسایش، بهبود وضعیت شغلی، معیشت، مستضعفان، و یک دوجین از این کمپین ها با هدف جلب توجه و فریب زنان و مردم محروم جامعه، شروع می شود.

شعار و حضور یکی از این جنبش ها به نوبه خود در بین دیگر رقبای کمپینی اش شاهکار است و آنهم

فمینیست های اسلامی که این دوره تصمیم دارند با تمام قوا نیرو جمع کنند. شعار ها و جلسات و سمینار ها و بیانیه ها و شخصیت هایشان کم کم از غار بیرون آمده و پا به عرصه هنرمایی می نهند. وجود این موجودات در زیست سیاسی ایران تازگی ندارد و تاریخا خواسته است پز به اصطلاح "مدافع حقوق زن"، "البته با ترمز و خط قرمز اسلامی" را به خود بگیرد.

اکنون زمین نبردی را جلو چشم جامعه طراحی کرده اند که به اصطلاح و ظاهراً جبهه "حق زن" علیه باطل است! گروهی معتقد به توانمند کردن زن هستند و وارد کارزاری علیه بخشی که معتقد به ناکارآمد بودن زن هستند شده اند! ظاهراً انحصار طلبان و تند روان مانع رشد و بالندگی زنان و رسیدن آنها به حق واقعی شان هستند و گویا تکنوکراتها و فمینیست های اسلامی با فراخوان زنان جامعه به مشارکت در انتخابات و در دست گرفتن پرچم جنبش آنها و حضور پررنگ در صحنه

سیاست ایران به احقاق حقوق خود نائل می گردند. ماتریال این نزاع هم از فاکتورهای حکومتی جامعه ای سرچشمه میگیرد که به شدت مرد سالار و ضد زن و ارتجاعی است. شخصیت و تعاریفی که به زن میدهند کاملاً حکومتی، شرقی و عقب مانده، شرعی و دینی علیه زن و در تحقیر جایگاه و نقش زن است. اینان با هر نوع جنبشی که دارند حمله ای همه جانبه و وسیع و سیستماتیک به مسئله زن دارند. زنان را حقیر و فقیر و خوار و درجه دو و بی اختیار، قابل ترحم و مادر و مسئول زایش و بهداشت و خانه داری و شوهر داری و غیره معرفی میکنند.

پیش کشیدن به اصطلاح روش های راهبردی و عملیاتی در طرح "توانمندسازی" زنان از جانب این جنبش و طرح شعار رفاه، دسترسی به منابع، آگاهی، تثبیت جایگاه زنان، تغییر نگرش و باورهای اجتماعی، بازنگری در قوانین مدنی، تغییر نگرش زنان، اصلاح نظام های مالکیتی، توانمندسازی زنان در ابعاد اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و روانی، ایجاد حق کنترل برای زنان، اعتماد سازی از جانب زنان، همچنین مشارکت و "کنترل" برای زنان را با طرح های به اصطلاح کارشناسی شده، یک دوجین شعارهایی که اینان هوا میکنند، فقط میتواند دهان کجی به حق زن و گستاخی در تعرض به حرمت و جایگاه زنان باشد. در نگاه اول توخالی و تهی بودن این ادعا ها برای رسیدن زنان به حتی یک ذره از حقوق واقعی و جهانشمول و انسانی شان آشکاراست. اینجنا

مشکل سیستم ناتوان و عصر حجری است، اما اینان کمر به تغییر آدمها "زنان" برای رفاه جامعه گرفته اند! واقعیت این است که طرح مسئله زن در همان قدم اول و در ساده ترین شکل آن باعث بر باد رفتن کل بنیان سیستم و حکومت دینی همه این جریانات میشود. نمی شود شما فکوس را روی مسئله زن بگذارید اما از برچیده شدن سیستم و قوانین ارتجاعی و عقب ماندی دینی مذهبی و اسلامی حرفی نزنید. نمی شود از رفع ستم مالکیت مرد بر صاحب اختیار بودن خانواده و زن حرف زد، از حق برابر زن حرف زد، از حق انتخاب، حق طلاق، حق برابر در شغل و کار، دستمزد برابر تحت شرایط برابر حرف زد اما از برچیدن سیستم شرع و دادگاه و اهرم های کثیف حاکم در آن جامعه حرف نزد و از برچیدن سیستم آپارتاید جنسی و پرورش دهندگان وحوش اسید پاش و سنگسار طلب حرف نزد.

نظر به اینکه تمام فلسفه وجودی جمهوری اسلامی به انقیاد کشاندن زن و ساخت شخصیتی مطیع و فرمانبردار از او است، ساخت شخصیت و موجودی که برای زننده ماندن و ابراز عقیده و ازدواج و تفریح و سفر و شادی و نفس کشیدن باید از "صاحب اش" که یا پدر و برادر یا بعداً شوهر است باید کسب اجازه داشته باشد.

حال تلاش گستاخانه این جنبش با شعار توانمند سازی و "حمایت" از مادران سرپرست خانواده و زن پناهی تنها دست آویزی برای استفاده های تبلیغی جنبشی اش است که این پروژه سیاسی را ...



مرکب جمهوری اسلامی! زنده باد سوسیالیسم!

مخبرانی

حزب کمونیست کارگری ایران - حکمت‌پژوهی (خط رسمی)

hekmatist.com

اوضاع سیاسی ایران در پرتو تحولات خاورمیانه

خلال حاج محمدی - امان کتا

کلن - شنبه ۴ فوریه ساعت ۶ بعدازظهر AlteFeuerwache, Melchior Straße 3

تلفن تماس: محمد راستی ۰۱۷۶۴۷۶۰۶۴۵۴ سهند حسینی ۰۱۷۸۷۲۷۹۷۹۱

تشکیلات خارج کشور حزب حکمت‌پژوهی (خط رسمی)

به مسئله زن برگردد، مسئله دیگر تن ندادن جامعه و در راس آن زنان به تحجری است که نزدیک چهار دهه است می‌خواهند با زور به آن تحمیل کنند. زنان در کل این تاریخ به اسلام و قوانین اسلامی به مردم سالاری و آپارتاید جنسی و به هزاران قانون تا معز استخوان عقب مانده، ضد زن و ارتجاعی تن نداده اند. عروج مسئله زن از زیر عبابی حاکمین و راه افتادن فمینیست اسلامی بیش از همه نشان از فشار جنبش حق زن در عمق آن جامعه است که آنها را نیز ناچاره کرده که به حرف آیند.

واقعیت این است ابتدایی ترین حقوق زن در جامعه ایران در گرو کنار زدن جمهوری اسلامی است. به همین دلیل زنان و هر انسان متمدن و حق طلبی اگر بخواهد برای حقوق برابر و رهایی زن تلاش کند، راهی ندارد جز تقویت جنبش سوسیالیستی. بی شک با عروج اولین بارقه هایی این جنبش فمینیست اسلامی و همه مدافعان متنوع و متحجر آن همراه با حاکمیت جمهوری اسلامی به گور سپرده خواهند شد.

همه بچه ها حق یک زندگی شاد، امن و شیرین را مستقل از پدر یا مادر شاغل یا بی شغل، توانمند یا ناتوان را دارند.

در نهایت کمپین سیاسی نخ نمای فمینیست اسلامی با شعار توانمند سازی زنان، ربطی به حرمت زن و جایگاه زن و حق زن ندارد. نمی توان همزمان شریک قدرت دولت و حکومتی شد که خرافه و جهل و ارتجاع و زن ستیزی و توحش و مرد سالاری را هر روز با تمام ابزار ها و دستگاه ها و رسانه ها و مراجع اش تولید میکند و از طرف دیگر مدافع همان زن مورد ستم از جانب همان سیستم شد. این همان دهان کجی به حرمت و حق زن است، توهین به شعور و درک هر انسان آزادی خواه و برابری طلب در آن جامعه است.

آنچه امروز فمینیست اسلامی را به جلو صحنه آورده و جناحهای جمهوری اسلامی روی این مسئله عنوان معضل اجتماعی انگشت می‌گذارند، مستقل از چرند بودن جوابی که به آن میدهند- با هدف جلب توجه جامعه و اینجا زنان به عنوان نصفی از آن برای حمایت از بخشی از حاکمیت است. تا جایی که

باشند که این مطالبات با کمپین سیاسی این جنبش سنخیتی ندارد و در تناقض کامل با فلسفه وجودی جمهوری اسلامی است و تمام صحنه جدالی که برای "احقاق حق زن" چیده اند دروغ و فریبکاری بیش نیست.

گویا ملاک رفاه و فقر و فلاکت را باید توانایی و ناتوانی هر انسانی در جامعه قرار داد! این فرمول رفع مسئولیت از شانه دولت و در حله دوم تقصیر فلاکت و سیه روزی را به خود مردم وانهادن است. توانمندی و ناتوانی مقولاتی اند که نتیجه عملکرد یک سیستم مدیریت اجتماعی هستند و در طرف مقابل این مسئله نیز رفا و امنیت و آسایش قرار دارد که هر انسانی مستقل از جنسیت اش و مستقل از نقش اش در تولید باید از نعمات مادی و معنوی موجود در جامعه به شکل برابر برخوردار باشد.

ترفند زیرکانه دیگر تغییر شخصیت انسانی زن با تمام زوایای آن به یک نقش معنوی به اسم مادر است. موجودی با قابلیت زاد و ولد و مسئول تربیت بچه! که این خود جای سوال است برای این کلاشان سیاسی که: اگر حتی جایگاه زن را می خواهید به یک نقش محدود کنید پس حقوق افراد تربیت کننده و تولید کننده نسل (مادران) را چرا پرداخت نمی کنید؟ که البته نباید این فرمول را از این کلاشان خرید، این ترفند نیز فلاکت و فقر و بی امکاناتی کودکان را در دامن مادران مسئول خانواده می اندازد و دولت را فارغ از مسئولیت پذیری در برابر جامعه میکند! مسئولیت هر بچه به عهده آن جامعه و دولت آن است و

→ با توسل به بی پناهی و بی حقوقی و محرومیت زن در جامعه پیش می‌برند.

این جفتک های تکنوکرات ها و جنبش فمینیست اسلامی هم در راستای استیلای همین حکومت و قوانین است. با خواست مشارکت بیشتر زنان و مردم و کسب صندلی های بیشتر در قدرت همان نظام ضد زن، حد غایت کمپین "دفاع" از حقوق زن آنها خواهد بود. در واقع نامربوط ترین مسئله برای آنها مسئله حق زن و حرمت و جایگاه انسانی زن است و این مدال را با هیچ چسب و سریشی نمی توان به سینه نامبارک آنها چسپاند.

مقوله زن و دست بردن به این ابزار کلاهی زیادی گشاد برای سرشان است. توانمندی افراد جامعه در گرو سیستمی است که بر جامعه حاکم است. با استناد به تک تک قوانین جمهوری اسلامی از فرهنگی، مدنی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی، زن موجودی بی حقوق و زیر ضرب و تحت ستم است. جسم و جان و روان زنان از تعرض طبقه حاکمه و دولت اش، از تعرض جریانات و آدم نماهای مرتجع در این الیت فکری مصون نیست.

این در حالی است که باید دامن زدن به فعالیت و استعداد و خلاقیت از ابتدایی ترین حق زنان باشد. زنان حق برخورداری از سرپناه و مسکن و فراغت، تفریح، و امنیت را داشته باشند. زنان حق داشته باشند در آسایش و اطمینان و استقلال کامل به ابراز وجود خود در جامعه بپردازند. زنان باید در موقعیت برابری به لحاظ شغلی و حقوقی در جامعه قرار داشته

نه قومی! نه مذهبی! زنده باد هویت انسانی!

پیشانی حزب حکمت‌پژوهی

خط رسمی

www.hekmatist.com

سردبیر: فواد عبداللہی

fuaduk@gmail.com

تماس با حزب

hekmatistparty@gmail.com